

« بحران قره باغ » و درس‌هایی برای دولت باکو

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
 خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : « الهام علی اف » و « سرژ سرکیسیان » روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در مونیخ درباره مسئله قره باغ به مذاکره پرداخته اند. این ششمین دور مذاکرات طرفین در خصوص مسئله قره باغ است که در یکسال اخیر صورت گرفته است.

دور قبلی مذاکرات فیما بین در ماه گذشته در حاشیه اجلاس سران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در « چیسینائو » برگزار شد ولی جدی ترین دستاورد آن توافق برای تداوم گفت و گوها بود.

اگر چه روند مذاکرات فیما بین حاوی پیشرفت قابل ملاحظه ای در جهت حل و فصل موضوع قره باغ نبوده است ولی سفر « سرژ سرکیسیان » به ترکیه و تفاهات ارمنستان و ترکیه در خصوص پایان دادن به اختلافات تاریخی طرفین جدی ترین حادثه ای بود که بر مواضع ارمنستان و آذربایجان تاثیر مستقیمی داشته است .

جمهوری آذربایجان طی 2 دهه اخیر تصور می کرد که دولت ترکیه حامی بلامنازع دولت باکو در جهت تامین منافع این کشور در مناقشات قره باغ باشد لکن تفاهم ارمنستان - ترکیه در پایان یافتن یا دستکم تصحیح چنین ذهنیتی اثرگذار بود و به افکار عمومی آذربایجان نشان داد که در مناقشات مرزی خود با ارمنستان نایبستی روی حمایت دولت آنکارا چندان حساب کنند. البته مقامات آنکارا در پایان تفاهات خود با ارمنستان به باکو اعلام داشتند که تفاهم با ارمنستان علیه هیچکس نیست و دیدگاه ترکیه در قبال آذربایجان همچنان به قوت خود باقیست ولی سفر رئیس جمهور ارمنستان به ترکیه برای دولت آذربایجان و افکار عمومی این کشور بطور کلی غیرمنتظره بود و در واقع آنها را غافلگیر کرد.

برخی شواهد و قرائن موجود نشان می دهند فشار طرفهای غربی برای شکل گیری مذاکرات میان طرفین بی تاثیر بوده است . این احتمال از آنجا تقویت شده که تاکنون پیشرفت محسوسی در مذاکرات به دست نیامده بود لکن اخیرا طرفین پذیرفتند بر محور اصول ذکر شده در « سند مادرید » به تفاهاتی دست یابند. اینکه سرنوشت مذاکرات پیرامون مسئله قره باغ به کجا بیانجامد هنوز روشن نیست لکن مسئله اینست که طرف سوم هم وجود دارد و با در پیش گرفتن يك نقش تحریک کننده سعی دارد با توسل به تجربه طلبی سیاست قدرتهای بیگانه را در منطقه به پیش ببرد. مسلح کردن تجزیه طلبان و تلاش برای شکل دادن به يك حرکت تهاجمی در قلمرو قره باغ از جدی ترین عواملی است که به تقویت نقش بیگانگان در این منطقه منجر شده و مرتبا تحت تاثیر قدرتهای خارجی به تشنج آفرینی در قره باغ پرداخته اند.

نباید از نظر دور داشت که شرکتهای نفتی غرب از یکطرف و رژیم صهیونیستی از طرف دیگر با نفوذ در ساختار قدرت در جمهوری آذربایجان توانسته اند به جایگاه و پایگاه تازه ای در این جمهوری دست یابند. اگر چه رهبران آذربایجان تصور می کنند که از این طریق می توانند در مذاکرات قره باغ از موضع محکمتری برخوردار شوند لکن در میدان عمل همین طرفهای غربی و صهیونیستی با درک شرایط منطقه و آگاهی از حساسیت های افکار عمومی آذربایجان در این زمینه چندان مایل نیستند موضوع قره باغ فیصله یابد تا بتوانند از این اهرم فشار برای دریافت امتیازات بیشتر از دولت باکو سواستفاده نمایند.

البته این امر در تاریخ آذربایجان بی سابقه نبوده است . در واقع « بحران قره باغ » را بایستی میراث شوم دوران سلطه شوم اتحاد شوروی سابق بر این منطقه تلقی کنیم که آثار و تبعات آن هنوز هم گریبانگیر مردم آذربایجان است .

یکبار روسلان خاسبولاتف عضو ارشد پولیت بوروی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سالهای پس از فروپاشی اتحاد شوروی اعتراف کرده بود که اتحاد شوروی برای هر منطقه ای از سرزمین های تحت سلطه اش يك « کانون بحران خفته » را به گونه ای تعبیه کرده است که در صورت نیاز با تحریک یکی از طرفین یا هر دو طرف آتش يك نزاع تمام عیار و بی پایان برافروخته شود و شرایط به سمتی پیش برود که شاید هرگز هیچکس برنده نشود.

شاید امروز چنین تصور شود که دوران سلطه جهانی کرمین بر جمهوریهای جوان در آسیای میانه و قفقاز به سر آمده است ولی لاقلا در شرایط کنونی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و حتی اسرائیل برای پیدا کردن جای پا و تثبیت موقعیت خود و نفوذ در جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای آسیای میانه از هیچ کوششی فرو گذار نمی کنند. باکو نباید تصور کند که با تکیه بر بیگانگان می تواند مشکل قره باغ را به نفع خود حل و فصل نماید.

اکنون زرمه های پیوستن ارمنستان و گرجستان به « ناتو » مطرح است و همین زرمه ها نشان می دهد که غرب سعی دارد طرفین دعوی قره باغ را برای خود حفظ کند و به همین خاطر کمترین حساسی که باکو بر روی دیگران باز کند نقطه آغاز ناکامی آینده را در محاسبات خود رقم زده است . اگر باکو تا دیروز بر روی ترکیه حساب می کرد امروزه با تلخکامی احساس می کند که تکیه گاه خود را از دست داده است . دقیقا از همین دیدگاه اگر باکو بر روی آمریکا و دیگر کشورها حساب تازه ای را باز کند باز هم اشتباه تازه ای را مرتکب شده است .

موضوع مهمتر باز کردن حساب تازه بر روی اسرائیل است که بنظر می رسد باکو اخیرا از این بابت فریب خورده است . خوبست باکو به تجربه های تلخ ترکیه در صحنه مناسبات با رژیم صهیونیستی ببیند و با بررسی ابعاد آن سرنوشت مناسبات کنونی خود با رژیم تل آویو را از هم اکنون درک نماید.

ترکیه برای چندین دهه مناسبات بسیار نزدیکی با رژیم تل آویو برقرار نمود ولی در میدان عمل مشخص گردید که این رژیم در آن واحد با ترکیه و پ. ک. روابط بسیار نزدیک و صمیمانه ای را برقرار کرده و بطور همزمان با طرفین منازعه ارتباطات گسترده ای داشته و در واقع نقش « جاسوس دو جانبه » را ایفا می کرده است . باکو نباید انتظار و توقعی داشته باشد که هم پیمانی با صهیونیستها و غرب ذره ای به حل و فصل بحران قره باغ کمک نماید. این بزرگترین درسی است که باکو می تواند از اشتباه دیگران بیاموزد و با بکارگرفتن استعدادهای خود از تکرار تجربه های ناموفق دیگران اجتناب نماید.

پایان پیام.